

پروژه معماری و طراحی شهری
پرتال جامع علوم انسانی

تحلیل نقش متقابل وقف و شهرسازی

برنامه ریزی فضایی - کالبدی

راهبردی جدید

در توسعه و بهره‌وری بهینه موقوفات

◀ محمود محمدی
دکترای شهرسازی

انسان موجودی است اجتماعی که رشد و تکامل آن در گرو زندگی جمعی و تعاون و همکاری با دیگر هموعان قرار دارد. جوامع انسانی اگر چه از نظر فرهنگی و اجتماعی بسیار متفاوت و گوناگون اند، ولی نمی توانند بدون تعاون، همیاری و مشارکت افراد و اعضای جامعه به حیات خود ادامه دهند. به همین دلیل در طول تاریخ انسان‌ها کوشیده‌اند جهت حفظ بقای جامعه سازوکارهای مناسبی برای همیاری، تعاون و مشارکت به وجود آورند. وقف را می‌توان عمومی‌ترین پدیده تعاون، همکاری و مشارکت بشری دانست که از قدیمی‌ترین دوره‌های تاریخی در جوامع مختلف وجود داشته است. مشارکت و دخالت مردم در سازماندهی محیط پیرامون خود از طریق ایجاد و احداث بناهای وقفی یکی از جنبه‌های مهم تأثیر وقف در تشکل و قوام جوامع بشری به شمار می‌رود.

به طور کلی نقش وقف در حیات جوامع انسانی آنچنان وسیع و گسترده است که باید از آن به عنوان یک «نظام» نام برد. نظام به این عنوان که وقف تمام ابعاد و جنبه‌های مختلف یک جامعه انسانی را شامل می‌شود و کمتر اموری از جامعه را می‌توان یافت که از پوشش نظام وقف خارج باشد. علی‌رغم گستردگی و شمول فعالیت‌های وقفی در جامعه تا کنون بحث جدی در زمینه‌های مهمی چون نقش وقف در شکل‌گیری فضاهای شهری و همچنین تأثیر ضوابط و مقررات شهرسازی در توسعه و گسترش موقوفات صورت نگرفته است. این مقاله سعی دارد با بررسی برخی از ابعاد تأثیرات متقابل وقف و شهرسازی در شکل‌دهی به محیط‌های مصنوع انسانی، راهبردی عملی و اجرایی جهت بهره‌برداری بهینه از موقوفات مطرح سازد.

□ عوامل مؤثر در شکل‌گیری محیط‌های مصنوع

یکی از ویژگی‌های مهم انسان‌ها دخالت در محیط زیست طبیعی و ساختن محیط مصنوع جهت زندگی اجتماعی است. در میان ساخته‌های دست انسان بی‌شک فضاها و محل‌های زندگی شهری پیچیده‌ترین و در عین حال مهم‌ترین مصنوع بشری بوده و در واقع عصاره

تلاش و تمدن انسانی در روی زمین در شهرها تجلی پیدا کرده است. در طول تاریخ سکونتگاه‌ها و شهرهای زیادی به دست بشر ساخته شده‌اند که اگر چه به لحاظ شکل ظاهری و محتوای درونی با یکدیگر تفاوت دارند، ولی تقریباً همگی هدف مشترکی را دنبال می‌کنند و آن عبارت است از فراهم آوردن محیط‌هایی امن، پایدار، غنی، راحت و توأم با آسودگی برای زندگی اجتماعی انسان‌ها.

در شکل‌گیری و تشکل فضاها و ساختارهای شهری، عوامل مختلفی دخالت دارند. از مهمترین عواملی که از سوی محققان مختلف تأکید زیادی بر نقش آن‌ها در شکل‌گیری فضاهای شهری شده است می‌توان به این سه عامل اشاره کرد:

۱. عامل جهان‌بینی یا چگونگی نگرش به جهان؛
۲. عامل اقتصادی یا چگونگی تعریف جهان مادی؛
۳. عامل اقلیمی - محیطی یا شرایط محیط زیست طبیعی.

در تاریخ شهرنشینی ایران برحسب اهمیت و نقش مسلط هر یک از این عوامل شاهد شکل‌گیری فضاهای شهری گوناگون و مختلفی هستیم. در بین این عوامل بی‌شک تأثیر عامل جهان‌بینی و ارزش‌های دینی و مذهبی بر ساخت و تولید فضاهای شهری به‌ویژه در دوره اسلامی بسیار تعیین‌کننده و مهم است. به همین دلیل در ایران علی‌رغم گوناگونی و تنوع محیط‌های طبیعی و اقلیمی شاهد ساخت و ساز فضایی مشابه در اکثر شهرها در طی تاریخ دوره اسلامی هستیم. از این رو یکی از ویژگی‌های این گونه شهرها که تحت حاکمیت و تسلط اسلام شکل گرفته‌اند انصاف به واژه اسلامی و «شهر اسلامی» است^۱. این واژه به خوبی نقش فرهنگ و اعتقادات اسلامی در شکل‌گیری شهرها و فضاهای شهری در سرزمین‌های اسلامی را، در مقایسه با سایر ادیان و مذاهب، نشان می‌دهد.

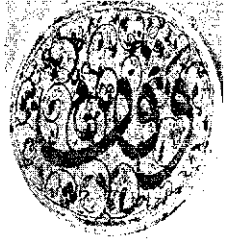
□ نقش وقف در تشکل فضاهای شهری

وقف یکی از ارزش‌های والای انسانی است که تحت تأثیر جهان‌بینی دینی و مذهبی اسلام علاوه بر اینکه از نظر اجتماعی و اقتصادی کارکردهای



۱. برای مثال رک: حبیبی، سیدمحسن، از شار تا شهر، صص یک تا هفت.

۲. البته در خصوص اطلاق واژه اسلامی به شهرهای دوره اسلامی بین محققین مختلف اختلاف نظر زیادی وجود دارد. برای آگاهی بیشتر در این زمینه رک: توسلی، محمود، هفتاد و دو مقاله؛ هیلن برانند، رابرت، معماری اسلامی، (ترجمه ایبرج اعصنام)، صص ۴۵-۴۹.



فراوان و مهمی در زندگی روزانه و فعالیت‌های شهری دارد، از نظر کالبدی نیز نقش بسیار مؤثری در شکل‌دهی به ساخت فضایی شهرهای دوره اسلامی به‌ویژه شهرهای ایران داشته است.

با نگاهی گذرا به سیما و بافت کالبدی شهرهای ایران بسیاری از عناصر و اجزای شهری را که نقش عمده‌ای در عملکرد و حیات زندگی شهری دارند می‌توان مشاهده کرد که نظام وقف در شکل‌گیری آنها نقشی بسزا داشته است. این تأثیر به‌گونه‌ای است که اگر فضاهای عمومی و عام‌المنفعه که در ساختار شهرهای سنتی ایران تقریباً بسیاری از آنها موقوفه‌اند حذف شود، چیزی جز مجموعه‌ای پراکنده و گسسته از مساکن، دکاکین تجاری و در کل فضاهای خصوصی باقی نمی‌ماند. در واقع بسیاری از فضاهای عمومی در شهرهای سنتی ایران که عامل اصلی پیوند مجموعه عناصر تشکیل‌دهنده شهر به یکدیگرند، وقفی می‌باشند.

از نظر کالبدی نقش وقف را می‌توان در ایجاد و احداث خردترین عناصر کالبدی شهر نظیر مساجد، مدارس، حمام‌ها، آب‌انبارها، سقاخانه‌ها، روشنایی معابر و بازارچه‌ها تا شکل‌گیری و تولید کلان‌ترین فضاهای شهری نظیر بازارها و مجموعه‌های وقفی مشاهده و پی‌گیری کرد. از بسیاری آثار و تک‌بناهای شاخص و مهم شهری که بگذریم، در تاریخ شهرسازی ایرانی - اسلامی به مجموعه‌های کالبدی پیوسته و همبسته‌ای در مقیاس‌های مختلف شهری، از مقیاس یک مرکز محله یا محله تا مقیاس مرکز شهر و یا شهر برمی‌خوریم که سنت وقف در شکل‌گیری آنها نقش اساسی داشته است.

بسیاری از شهرهای قدیمی اغلب محله‌های کوچکی بوده‌اند که به تدریج شکل گرفته‌اند که با افزایش جمعیت و توسعه بناها و اماکن به شهر تبدیل شده‌اند. این محله‌ها که از پیش طراحی نشده بودند برای احداث و ایجاد مراکز و فضاهای خدماتی - عمومی در آنها بالطبع هیچگونه پیش‌بینی‌یی به عمل نمی‌آمد، ولی در عین حال می‌بینیم که شهرهای سنتی و قدیمی ایران در نظام

و ساختار محله‌ای خود از انسجام و پیوستگی قوی برخوردار بوده‌اند و تقریباً بسیاری از خدمات و نیازهای شهری و محله‌ای به شکلی خودجوش و طبیعی در آنها ایجاد شده بود. این اجزا و عناصر عموماً بدون اتکا به منابع و اعتبارات دولتی و در چهارچوب نظام وقف و با سرمایه‌های مردم احداث می‌شدند. در واقع تحت تأثیر فرهنگ وقف بسیاری از تأسیسات زیربنایی و روبنایی در مجتمع‌های زیستی بدون اینکه حکومت‌ها اصولاً وظیفه‌ای در ایجاد آنها احساس کنند توسط مردم ساخته می‌شدند.

نظام وقف نه تنها موجد ساخت و ایجاد بسیاری از فضاها و عناصر باارزش شهرها بوده است، بلکه ارتباط و پیوند معنوی و نزدیک موقوفات با امور دینی و مذهبی، سبب ماندگاری و پایداری فضاهای شهری موقوفه در طی زمان شده است. در یک نظر اجمالی می‌توان گفت مالکیت بسیاری از آثار و عناصر شهری که در زمرهٔ موارث فرهنگی و تاریخی کشور به شمار می‌روند، وقفی است. در واقع علل ماندگاری بسیاری از میراث‌های معماری و شهرسازی ایران در بستر زمان را باید در نقش فرهنگ متعالی وقف جستجو کرد. از طرف دیگر اصول و ویژگی‌های نظام وقف به گونه‌ای است که بسیاری از این فضاها و عناصر از طریق رقبات درآمدزایی که بر آنها وقف شده‌اند، خود را محافظت و مرمت کرده و در نهایت آبادان و معمور بر جای استوار باقی مانده‌اند. همچنین ماهیت ابدی، دایمی و غیرقابل فروش و انتقال بودن موقوفات و صرف منافع رقبات آنها در راه مقاصد خیر و برای کارکردها و مصالح جامعهٔ مسلمین، موجب شده است که تعداد زیادی از آنها در برابر حوادث و نامایمات تاریخ مقاومت کرده و خود را به زمان حان برسانند. در طول تاریخ تعداد زیادی از موقوفات یا رقبات، به‌خصوص املاک غیرمنقول چون مساجد، حوزة‌های علمیه، حمام‌های عمومی و بازارها که کم و بیش دارای ساختار پایدار و دیرپایی هستند، از سایر عناصر شهری پایدارتر باقی مانده‌اند.^۳

۳. قدیری، بهرام، «احیای فرهنگ وقف با هدف تسهیل زندگی در مجتمع‌های زیستی»، فصلنامهٔ صفه، ش ۱، ص ۳.



اصول و مبانی

سازمان فضایی تشکلهای موقوفه

موضوع مهم دیگری که در خصوص تأثیرات متقابل وقف و شهرسازی مطرح است، چگونگی تأثیر و نقش اصول و مبانی سازمان فضایی شهرها در توسعه و گسترش فرهنگ و نظام وقف است. سؤال اساسی و مهمی که در اینجا و در این رابطه پاسخگویی به آن ضرورت دارد این است که اصولاً مدخلیت نقش اصول و مبانی سازمان فضایی شهرها در توسعه وقف از کجا ناشی می‌شود؟ و تحت چه نوع توجیه علمی و منطقی می‌توان به آن پاسخ داد. در پاسخ به سؤال فوق باید گفت هر پدیده انسانی که به صورتی (مادی) در جامعه تعیین دارد وابسته و مقید به شرایط مکانی و زمانی است و مکان و زمان به منزله چهارچوبی هستند که پدیده را در خود جای می‌دهند. از آنجا که آثار و ابنیه کالبدی، بخشی اساسی از نظام وقف هستند به همین علت نه تنها وقف مانند هر پدیده دیگری از اصول و مبانی سازمان فضایی شهرها تأثیر می‌پذیرد، بلکه موضوعیت نقش شهرسازان در حفظ، توسعه، ساماندهی و بهبود عملکردهای موقوفه مطرح می‌شود. چنانکه اشاره شد وقف از جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی کارکردهای فراوان و مهمی در زندگی روزانه و فعالیت‌های شهری دارد. بنابر این جلوه‌ها و بازتاب‌های وقف در جامعه را می‌توان در ابعاد مختلف مورد توجه قرار داد. جهت بررسی نقش اصول سازمان فضایی شهرها در عملکرد موقوفات در ابتدا لازم است جلوه‌ها و بازتاب‌های مختلف و متنوع وقف تفکیک و مجزا شوند. در یک طبقه‌بندی کلی جلوه‌ها و بازتاب‌های وقف را می‌توان به دو دسته بازتاب‌های کالبدی و بازتاب‌های غیرکالبدی دسته‌بندی کرد.

○ الف. بازتاب‌های غیرکالبدی: بازتاب‌های غیرکالبدی وقف، فعالیت‌هایی هستند که مستقیماً جنبه کالبدی و فضایی ندارند، بلکه به صورت کمک به انسان‌های محروم جامعه مانند ایتم، معلولان، پیران و زمین‌گیران، زندانیان، مصارف خیریه، هزینه تحصیل دانشجویان،

طلاب، قربانی، ترک اعتیاد، مداوای بیماران، تشکیل خانواده و غیره انجام می‌شود. در واقع تمامی آنچه که یک جامعه انسانی در تأمین اجتماعی اعضای خود نیاز دارد را شامل می‌شود. به همین دلیل شهرهایی که دارای موقوفات بیشتری هستند مانند شهر اصفهان در آنها نوعی تعادل اجتماعی و اقتصادی وجود داشته و دارد.^۴

○ ب. بازتاب‌های کالبدی: بازتاب‌های کالبدی وقف، موقوفاتی هستند که مستقیماً با سیمای فیزیکی و کالبدی شهر ارتباط دارند. ایجاد بناهایی چون مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها، مسافرخانه‌ها، نوانخانه‌ها، آب‌انبارها و قنوات، حمام‌ها، پل‌ها، قبرستان‌ها، مسکن انسانی و تکایا از جمله بازتاب‌های کالبدی وقف هستند. در واقع بازتاب‌های کالبدی وقف ظروفي هستند که مظهر آنها عملکردهای وقفی هستند و این عملکردها نقش اساسی در حیات و زندگی مدنی جامعه ایفا می‌کنند.

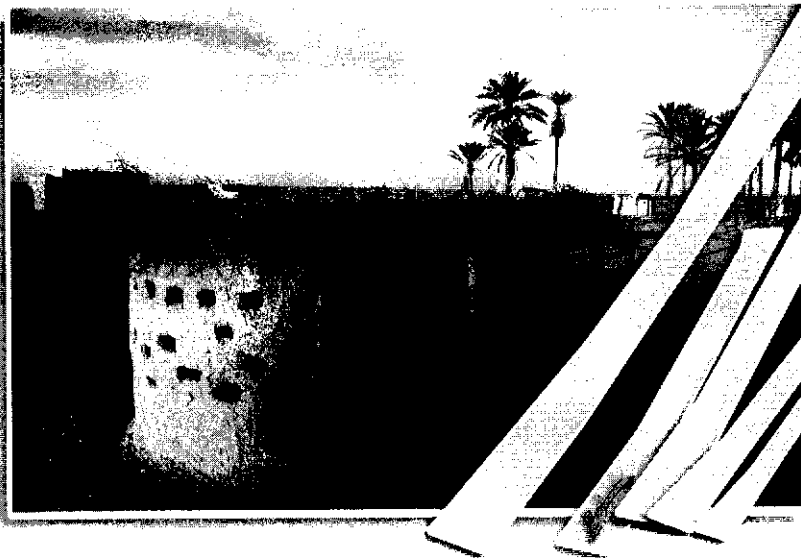
توزیع و پراکنش عناصر موقوفه

به طور کلی در کیفیت و چگونگی عملکرد بازتاب‌های کالبدی وقف ویژگی‌های کالبدی و معماری مانند مقیاس و اندازه فضای موقوفه نقش اساسی دارند. بدین معنی که هر چه قدر مقیاس و اندازه عناصر و عملکردهای وقفی بالاتر و بزرگ‌تر باشد تأثیر و کارایی آنها در ساختار شهر می‌تواند بیشتر باشد. جدای از ویژگی‌های کالبدی و معماری یادشده، خصوصیات و ویژگی‌های فضایی دیگری بر عملکرد بازتاب‌های کالبدی وقف تأثیر تعیین‌کننده دارند. نکته مهم در رابطه با عناصر و عملکردهای وقفی موضوع تشکل آنهاست. یعنی اینکه عناصر وقفی که در جای‌جای ساختار شهر دیده می‌شوند دارای چه نوع تشکلی هستند. به طور کلی عناصر موقوفه را از نظر تشکل می‌توان به دو گروه کلی متشکل (مجموعه ساختاری) و غیرمتشکل (عناصر پراکنده) طبقه‌بندی کرد. نحوه تشکل موقوفات ارتباط نزدیکی با «توزیع فضایی» و پراکنش عناصر موقوفه دارد.

چگونگی توزیع فضایی و پراکنش انواع عناصر موقوفه نه تنها در ساختار فضایی شهرها نتایج مهمی در

۴. شفقی، سبوس، «وقف در اصفهان»، فصلنامه میراث جاویدان، ش ۱۹ - ۲۰، ص ۳۳.

مثال به طور معمول مراکز و نواحی قدیمی و سنتی شهرها در مقایسه با سایر نواحی شهر موقوفات بیشتری دارند. در شکل حاد این نوع الگو در سطح شهر شاهد نابرابری فضایی شدیدی در توزیع فضایی عناصر موقوفه هستیم.



○ ۲. الگوی متشکل: در این نوع الگو عناصر و فضاهای

موقوفه به همراه رقبات مربوطه به صورت یک مجموعه بهم پیوسته که از نظر عملکردی و کالبدی با یکدیگر مرتبط هستند در مناطقی از سطح شهر استقرار دارند. در این الگو می‌توان دو زیرالگوی فرعی مشاهده کرد:

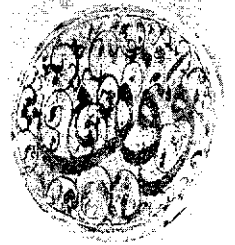
الف. الگوی متشکل متمرکز: در این نوع الگو اجزا و عناصر و عملکردهای یک شهر و یا یک سکونتگاه به طور کامل موقوفه هستند و یا عناصر وقفی در یک نقطه و یا یک منطقه وسیع از شهر متمرکزند. در این نوع الگو اگر چه از نظر فضایی و عملکردی ارتباط و پیوستگی زیادی بین اجزا و عناصر وقفی وجود دارد، ولی از طرف دیگر به دلیل اینکه به طور کامل تمام عملکردهای منطقه وقفی هستند ارتباط و آمیزش آنها با سایر عملکردها و فعالیت‌های غیروقفی شهر که لازمه زندگی شهری‌اند بسیار کم بوده و به همین دلیل آسیب‌پذیری آنها در برابر شرایط تاریخی و محیط زیاد است. از مهمترین نمونه‌های تاریخی این نوع الگوی استقرار عناصر وقفی می‌توان به مجموعه‌های ربع رشیدی شنب‌غازان تبریز در دوره ایل‌خانان اشاره کرد. در واقع در پاسخ به این سؤال که چرا مجموعه‌های عظیم ربع رشیدی و شنب‌غازان علی‌رغم عظمت و بزرگی توانسته‌اند در مقابل حوادث زمان مقاومت کنند و از بین رفته‌اند، علت را باید در نحوه شکل و توزیع فضایی عناصرشان جستجو کرد. بنابر شواهد تاریخی این مجموعه‌ها در محیط‌هایی خارج از ساختار فضایی-

پی دارد، بلکه در تشدید و تسهیل عملکردهای وقفی بسیار مؤثر است. به طور کلی از نظر اصول توزیع فضایی عناصر، برحسب عامل تمرکز و پراکندگی در نحوه استقرار آثار و عناصر وقفی در ساختار فضایی-کالبدی شهر دو الگوی کلی که هر یک به الگوهای فرعی‌تر دیگری تقسیم می‌شوند، می‌توان شناسایی کرد:

○ ۱. الگوی غیرمتشکل: در این نوع الگو عناصر و عملکردهای وقفی هیچگونه وابستگی عملکردی و فضایی به یکدیگر ندارند و به صورت پراکنده و آزاد در سطح شهر توزیع شده‌اند. این الگو را می‌توان به دو الگوی فرعی تقسیم کرد:

الف. الگوی غیرمتشکل پراکنده: که در آن فضاهای وقفی بر حسب نیتی که واقفان در خصوص مکان وقف انجام داده‌اند، در تمام سطح شهر پراکنده هستند. از مهمترین عناصر وقفی که بدین صورت در سطح شهر پراکنده هستند می‌توان به فضاهای و عناصر موقوفة بدون رقبه اشاره کرد که تقریباً در تمام محلات و مناطق شهرها نمونه‌های بسیاری از آنها یافت می‌شود.

ب. الگوی غیرمتشکل متمرکز: که در آن، در برخی مناطق و نواحی شهری تراکم و تمرکز بیشتری از فضاهای موقوفة منفرد وجود دارد. در این نوع الگو در عین حالی که عناصر و عملکردهای وقفی در سطح شهر پراکنده هستند، ولی در برخی نقاط و مناطق تراکم و تعداد آنها بیشتر از سایر بخش‌ها و مناطق است. برای



۵. برای آگاهی بیشتر در زمینه کاربرد الگوهای توزیع فضایی کاربری‌های شهری رک: محمدی، محمود، «مکان‌یابی کاربری اداری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.



ضعیف‌تر از سایر الگوهاست. در واقع کمتر دیده شده تک‌بناها و ساختمان‌های موقوفه منفرد به تنهایی موجب شکل‌گیری فضاهای عمومی شهری مهمی گردند. در حالی که در الگوی متشکل پراکنده، نه تنها عملکرد و فعالیت موقوفات تقویت می‌گردد، بلکه به تشکل فضاهای عمومی شهری نیز کمک می‌شود. در این خصوص با دیدگاه تاریخی می‌توان نمونه‌های ارزشمند بسیاری از مجموعه‌های موقوفه نام برد که به صورت الگوی یادشده شکل گرفته‌اند. از قدیمی‌ترین این مجموعه‌ها در تاریخ شهرسازی کشور می‌توان به مدارس نظامیه در دوره سلجوقیان، مجموعه‌های میدان نقش جهان اصفهان، گنج‌علی‌خان کرمان و شیخ صفی اردبیل در دوره صفویه، مجموعه زندیه شیراز در دوره زندیه و مجموعه‌های مروی، سپهسالار و سرای امیر تهران در دوره قاجاریه اشاره کرد. این مجموعه‌ها اگر چه در طی یک دوره تقریباً هزارساله در شهرها و مکان‌های مختلف و در دوره‌ها و شرایط تاریخی و حکومتی متفاوت شکل گرفته و ایجاد شده‌اند، ولی به دلیل نحوه و نوع الگوی توزیع فضایی عناصرشان توانسته‌اند در تشکل فضاهای شهری نقش مؤثر و اساسی ایفا کنند.

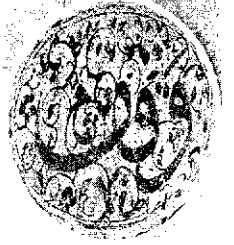
موقوفات تنها عناصر عملکردی صرف نیستند، بلکه به لحاظ اجتماعی و فرهنگی دارای بار معنوی و مذهبی نیرومندی هستند که به طور مستمر افراد و اقشار مختلف مردم را به خود جلب می‌نمایند و هر روز مردم زیادی با آنها در ارتباط هستند و از طریق آنها نیازهای خود را تأمین می‌کنند. این ویژگی آثار موقوفه می‌تواند در احیا و باز زنده‌سازی بسیاری از فضاها و محیط‌های شهری که به واسطه عدم حضور مؤثر مردم کم‌کم به فضاهای غیرفعال و مرده تبدیل شده‌اند، کمک کند. در واقع موقعیت استقرار عناصر موقوفه در ارتباط با سایر عناصر می‌تواند نقش مهمی در تشکل فضاهای شهری داشته باشد. بنابر این بهره‌مندی از بار معنوی و مذهبی آثار و مجموعه‌های وقفی در پویایی و جذابیت فضاهای شهری جدید می‌تواند یکی از ضرورت‌های توسعه شهری کشور تلقی شود. به منظور بهره‌مندی سایر عناصر و فضاهای شهری از بار معنوی و مذهبی

کالبدی شهر تبریز شکل گرفته بودند و الگوی تشکل و توزیع فضایی عناصرشان به صورت الگوی متشکل متمرکز بوده است.

ب. الگوی متشکل پراکنده: در این نوع الگو عناصر و فضاهای موقوفه و رقبات مربوطه از نظر فضایی، کالبدی و عملکردی به صورت یک مجموعه بهم پیوسته و متشکل در مناطقی از سطح شهر استقرار دارند. بسیاری از مراکز محلات قدیمی و سنتی در شهرهای تاریخی ایران را می‌توان از نمونه‌های این نوع الگوی توزیع فضایی عناصر دانست که تعدادی عنصر و عملکرد وقفی به صورت یک مجموعه متمرکز یک مرکز محله را شکل می‌دادند. مجموعه‌های میدان نقش جهان، گنج‌علی‌خان کرمان، خان شیراز، سپهسالار و مروی تهران از نمونه‌های بسیار بارز این نوع الگوی استقرار فضایی موقوفات هستند. تفاوتی که این نوع الگوی توزیع فضایی عناصر با الگوی غیرمتشکل متمرکز دارد، این است که در الگوی متشکل پراکنده، عناصر و عملکردهای متمرکز در نقاط مختلف شهر به صورت یک مجموعه بهم پیوسته و حتی یک مدیریت واحد شکل می‌گیرند، در حالی که در الگوی غیرمتشکل متمرکز عناصری که در یک نقطه و محل متمرکز هستند به صورت یک مجموعه کالبدی بهم پیوسته نیستند و در زمان‌های مختلف توسط افراد زیادی ایجاد شده‌اند.

به طور کلی مجموعه‌های موقوفه شکل گرفته تحت تأثیر این الگو به علت داشتن ارزش‌های اجتماعی، فضایی و کالبدی در طی تاریخ در تشکل و تولید فضاهای عمومی شهری شهرهای سنتی ایران نقش بسیار مهمی داشته‌اند.

به طور کلی در بین الگوهایی که به آنها اشاره شد، برای الگوی متشکل پراکنده بیش از سایر الگوها می‌توان نکات مثبت برشمرد. اگر چه در حال حاضر الگوی غالب در توزیع فضایی عناصر موقوفه الگوهای پراکنده است و این الگو سطح وسیع‌تری را نسبت به الگوهای متشکل و مجتمع تحت پوشش قرار می‌دهد، ولی تأثیرات آن بر ساختار فضایی و کالبدی شهرها - از نظر تشکیل فضاهای عمومی شهری - بسیار کمتر و



آثار و مجموعه‌های وقفی پیشنهاد می‌شود در موقع ایجاد و شکل‌گیری فضاها و مجموعه‌های وقفی، موقعیت و جایگاه آن‌ها در ساختار فضایی-کالبدی شهر و در ارتباط با دیگر عناصر شهری مورد ارزیابی و مطالعه قرار گیرد.

با توجه به اینکه موقوفات مجتمع و متمرکز که به صورت مجموعه‌های وقفی احداث و اداره می‌شوند، در شکل فضاهای عمومی شهری نسبت به تک‌بناهای موقوفه نقش بسیار مؤثرتری دارند، لذا در صورتی که ترتیباتی فراهم شود که واقفان، موقوفات خود را به صورت جمعی و در قالب مؤسسات و بنیادهای امور خیریه احداث نمایند و یا مورد وقف خود را رقبه موقوفاتی دیگر کنند، نه تنها توان اقتصادی موقوفات فاقد رقبه تقویت خواهد شد- زیرا بناهای وقفی زیادی وجود دارند که علی‌رغم اینکه به لحاظ اقتصادی دارای ارزش فراوانی هستند، ولی به دلیل ضعف بنیه مالی، غیرفعال و از حیث انتفاع خارج شده‌اند- بلکه از دیدگاه برنامه‌ریزی فضایی تأثیرات مثبت آن در شکل فضاهای شهری بسیار بیش از موقوفات پراکنده است. در واقع ساماندهی موقوفات و هدایت نظام وقف به سمت ترکیب و تجمیع چندین موقوفه کوچک در یک مجموعه وقفی بزرگ هم از نظر اقتصادی- به دلیل پشتیبانی مالی که هر یک از موقوفه‌ها می‌توانند از دیگر موقوفه‌ها به عمل آورند- مفید می‌باشد و هم از نظر فضایی- به دلیل پیوندها و ارتباطاتی که بین عناصر وقفی منفرد و مجزا ایجاد می‌شود- در شکل فضاهای شهری نقش مؤثرتری خواهد داشت. لذا ساماندهی موقوفات شهری به صورت مجموعه‌های وقفی و براساس معیارهای اصول سازمان فضایی شهرها، می‌تواند الگوی مناسبی برای ساماندهی موقوفات شهری تلقی شود. نمونه‌های یک چنین ساماندهی‌یی را در مجموعه وقفی سنتی به خوبی می‌توان مشاهده کرد. یکی از ویژگی‌های عمومی شهرسازی اسلامی ایجاد عملکردها و فعالیت‌های اساسی جامعه در ترکیب و ارتباط با یکدیگر در مرکز شهر است. بنیاد عناصر کالبدی سه نهاد اصلی جامعه یعنی: مذهب (مسجد جامع و

مدرسه)، حکومت (ارگ حکومتی) و اقتصاد (بازار) در کنار هم و با هم به صورت یک مجموعه یکپارچه در مرکز شهر و جایگزینی محلات در کنار و در ارتباط با آنها ویژگی اساسی ساختار کالبدی شهرها در سرزمین‌های اسلامی است. در این خصوص برخی محققین معتقدند، وقف به عنوان یکی از نیروهای فضاآفرین و چهره‌پرداز ساختار اصلی شهرهای ایران نقش مهمی در ایجاد و شکل این ویژگی داشته است. یکی از دلایلی که موجب شده این سه بنیاد اصلی شهر از نظر کالبدی پیوسته و همبسته در مرکز قرار گیرند، وجود عامل وحدت‌بخش وقف در فرآیند شکل و شکل‌گیری آنهاست.

□ تحلیل ارتباطات فضایی-کالبدی موقوفات

به طور کلی اصول سازمان فضایی موقوفات تنها منحصر به الگوهای توزیع فضایی و پراکنش عناصر و عملکردهای وقفی نمی‌شود، بلکه ارتباطات بین عناصر را نیز در برمی‌گیرد. در واقع در حالی که الگوهای توزیع فضایی و پراکنش عناصر و عملکردهای شهری را می‌توان جنبه کمی اصول سازمان فضایی محیط نامید، چگونگی ارتباطات میان عناصر جنبه کیفی اصول سازمان فضایی محیط را تشکیل می‌دهند که از طریق آن می‌توان الگوهای توزیع فضایی و پراکنش عناصر و عملکردهای وقفی را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد.

در ساختار فضایی-کالبدی شهرها هر عنصری جهت عملکرد و فعالیت خود نیازمند ارتباط با سایر عناصر و عملکردهای شهری است. یکی از خصوصیات که هویت و شخصیت هر عنصری را در مجموعه عناصر شهری تعریف می‌کند نحوه و میزان ارتباطات آن با دیگر عناصر و عملکردهای شهری است. بدیهی است هر قدر ارتباط عنصر مورد نظر با سایر عناصر شهری بیشتر و گسترده‌تر باشد اهمیت آن عنصر در ساختار فضایی-کالبدی شهر مهمتر خواهد بود. به همین روال در رابطه با موقوفات نیز هر قدر ارتباطات میان عناصر چه از نظر کالبدی و چه از نظر عملکردی بیشتر بوده و موقعیت مکانی آنها به یکدیگر نزدیک‌تر باشد، نه تنها شکل فضایی آنها با اهمیت‌تر و بارزتر

۶. مؤمنی، مصطفی، «آرشیابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، اقتصادی و کالبدی دوره آغازین شهر دولت آباد ملایر»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۲، ص ۲۱.



مختلف شبانه روز همیشه در یک طرف از خیابان‌ها و معابر اصلی و بزرگراه‌های شهر تراکم و شلوغی رفت و آمد وجود داشته باشد، در حالیکه در طرف دیگر تردد کمی صورت می‌گیرد. در واقع همیشه فقط از یک سمت و جهت خیابان‌ها استفاده بهینه صورت می‌گیرد، و از ظرفیت طرف دیگر به دلیل نوع الگوی تردهای شهری استفاده بهینه‌ای صورت نمی‌گیرد.

مراد از تعدد روابط، میزان وجود ابعاد مختلف روابط در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی و زیرمجموعه‌های هر یک از آن‌ها در شبکه روابط بین عناصر شهری است. وضعیت به اصطلاح مطلوب برای ساختار فضایی شهر آن است که این چهار نوع رابطه به صورت هم‌وزن در شبکه روابط فضایی - کالبدی شهر حضور داشته باشند، در غیر این صورت با تمرکز روابط در یک حوزه خاص عملاً روابط تک‌عملکردی شده و فضا از کارکرد سایر حوزه‌ها محروم می‌شود، در حالی که تنوع عملکردها یکی از اصول سازمان فضایی شهرهاست. در ساختار فضایی شهرهای سنتی ایران از مراکز مهم شهری که تعدد روابط در آن را به شکل بارزی می‌توان مشاهده کرد، بازارهای شهری هستند. در ساختار فضایی شهرهای سنتی ایران، بازار فقط یک مرکز تجاری نیست (فقط منحصر به روابط اقتصادی نمی‌شود)، بلکه وجود عناصر و عملکردهای متعدد و متنوع نظیر مدارس علمیه دینی در درون بازار موجب تنوع روابط در ساختار روابط بازار می‌شود. در واقع اهمیت و جایگاه بسیار مهم بازار در ساختار فضایی شهرهای سنتی ایران را که همانند لولایی تمام اجزا و عناصر شهری را به هم پیوند می‌دهد را باید در تعدد و تنوع روابط بین عناصر و عملکردهای آن جستجو کرد.

منظور از شدت روابط، میزان فراوانی روابط بین عناصر ساختار شهری است. به عنوان مثال تعداد روابطی که بین فعالیت‌های تجاری و مذهبی در ساختار شهری صورت می‌گیرد میزان فراوانی روابط دو کاربری محسوب می‌شود. در صورتی که میزان فراوانی روابط عناصر در ابعاد چهارگانه افزایش یابد، به همان نسبت استحکام ساختار فضایی - کالبدی شهر افزایش می‌یابد.

خواهد بود، بلکه موقوفه و عناصر وابسته به آن عملکردی کارآتر خواهند داشت.

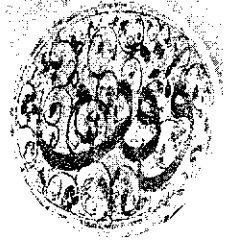
به طور کلی درخصوص ارتباطات میان عناصر مجموعه‌های وقفی دو نوع ارتباطات فضایی - کالبدی در ساختار آنها می‌توان تشخیص داد:

الف. ارتباطات درونی، که ناظر بر ارتباطات میان عناصر و فضاها می‌باشد. بدیهی است هر قدر این گونه ارتباطات در درون مجموعه وقفی بیشتر باشد، انسجام و بهم‌پیوستگی مجموعه بیشتر خواهد بود.

ب. ارتباطات بیرونی، که ناظر بر ارتباطات فضاها و عملکردهای مجموعه وقفی با سایر عناصر شهری است. هر چه ارتباطات بیرونی فضاها و عملکردهای مجموعه وقفی با دیگر فضاها و عملکردهای شهری متنوع، پیچیده و گسترده باشد، نقش مجموعه وقفی در شکل فضاها شهری برجسته‌تر می‌شود. در واقع ارتباطات درونی پیوند عناصر مجموعه را با یکدیگر برقرار می‌سازند و ارتباطات بیرونی مجموعه وقفی را به ساختار فضایی و کالبدی شهر پیوند می‌دهند. ارتباطات فضایی - کالبدی عناصر مجموعه با یکدیگر و با سایر عناصر شهری را می‌توان به لحاظ چگالی، قرینگی، تعدد و شدت روابط و تنوع عناصر و فضاها مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد.^۷

میزان چگالی روابط، نسبت روابط موجود بین عناصر به روابط ممکن بین آن‌هاست و قرینگی روابط، نسبت به روابط دوجانبه موجود بین عناصر به روابط یک‌جانبه بین آنها را شامل می‌شود. هر قدر میزان قرینگی روابط بین عناصر در ساختار روابط فضایی - کالبدی شهر بالاتر باشد، شرایط مناسب برای به‌کارگیری ظرفیت‌های کالبدی ساختار شهری بیشتر فراهم می‌گردد و این خود مانعی است برای افزایش مشکلات و معضلات شهری. برای مثال از مهمترین موارد عدم قرینگی در ساختار روابط شهری می‌توان به عدم قرینگی در الگوی حرکت‌ها و رفت و آمدهای شهری اشاره کرد. این عدم قرینگی در الگوی حرکت‌ها و رفت و آمدهای شهری موجب می‌شود در ساعات

۷. جلیلی، مسعود، جامعه‌شناسی نظم، صص ۱۴۷-۱۴۸.



مسائل موقوفات در ارتباط با نظام برنامه‌ریزی عمرانی کشور می‌توان به این موارد اشاره کرد:

موضوع مهمی که در خصوص موقوفات و رقبات وابسته به آنها باید مورد توجه قرار گیرد این است که وقف مال در ایجاد فضاها و بناهای عام‌المنفعه و موقوفه، تنها به معنی اختصاص دادن بخشی از ثروت جهت امور خیریه نیست، بلکه واقف با وقف مال و ثروت خویش، نحوه و نوع استفاده از آن را نیز تعیین می‌کند. در واقع وقف‌نامه سند و دستورالعملی است که به موجب آن، واقف خطوط کلی و نحوه اداره موقوفه را برای متولیان و ناظران بعدی موقوفه تعیین می‌کند. با توجه به اینکه بر اساس احکام شرعی، عمل به نیت واقف واجب و لازم است و تخطی از آن جایز نیست، زمانی که عملکرد و نوع استفاده و بهره‌برداری از املاک و فضاها موقوفه در مغایرت با مصالح عمومی و توسعه شهری قرار می‌گیرد، مسایل و مشکلات متعددی در برابر توسعه فضاها و وقفی و همچنین توسعه طرح‌های شهری پیش می‌آید. حل این معضل از یک طرف در گرو نظارت بیشتر و دقیق‌تر بر تنظیم وقف‌نامه‌ها، به‌ویژه از دیدگاه مسایل شهرسازی و امورا جرایمی شهری است و از طرف دیگر آشنایی و توجه بیشتر شهروندان به امور و احکام وقف را به عنوان یک ضرورت اساسی طلب می‌کند.

از نکات اساسی و مهمی که در رابطه با تأثیرات نظام شهرسازی بر موقوفات می‌توان به آن اشاره کرد یکی این است که عملکرد و نوع استفاده از املاک، اراضی و فضاها شهری امری ثابت و دایمی نیست، بلکه در طی

به طور کلی شدت روابط را می‌توان تابعی از اندازه و مقیاس عناصر شهری دانست.

میزان عناصر و فضاها در مجموعه‌های متشکل وقفی همانطور که از نام آن مستفاد می‌شود، ناظر بر تعداد و تنوع عناصر و فضاها و عملکردهای تشکیل‌دهنده موقوفات و یا عناصری است که در فرآیند ارتباطات درگیر هستند. هر قدر تعداد عناصر بیشتر باشد نه تنها از نظر کمی میزان روابط بین آنها می‌تواند بیشتر باشد، بلکه از نظر کیفی شبکه روابط بین آنها را پیچیده‌تر می‌کند. لازم به اشاره است که هر چه این ویژگی‌ها در فرآیندهای ارتباطی موقوفات بیشتر باشد نقش و تأثیر مجموعه وقفی در تشکل فضاها شهری بیشتر خواهد بود. در رابطه با الگوهای مختلف توزیع فضایی عناصر، الگوی متشکل پراکنده به نسبت از وضعیت و شرایط مساعدتری برای ایجاد ویژگی‌های یادشده برخوردار است.

□ مسایل و مشکلات محیط‌های موقوفه

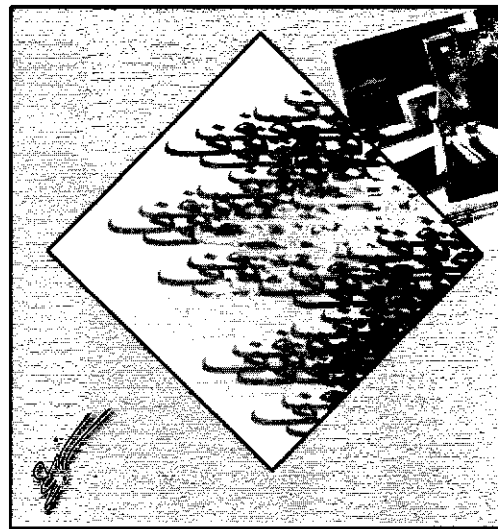
موقوفات از منابع بسیار ارزشمند جامعه هستند که به دلیل تنوع و گستردگی فعالیت‌های وقفی می‌توانند در تحقق بسیاری از اهداف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه نقش مهمی ایفا نمایند. ولی علی‌رغم دامنه نسبتاً وسیع فعالیت‌های اوقافی، هم‌اکنون موقوفات کشور درگیر مسائل و مشکلات فراوانی هستند که بر عملکرد و کارایی بهینه آنها تأثیر منفی گذارده است. با آگاهی و درک صحیح از این مسائل و مشکلات می‌توان راهبردها و راه‌حل‌های مناسبی جهت رفع آنها ارائه داد. از مهمترین



تهیه طرح‌های شهری دقت و توجه کافی صورت گیرد تا با قراردادن کاربری‌های غیرانتفاعی بر روی رقبات موقوفات عملاً بر پیکر مجموعه‌های وقفی که نقش مهمی در تشکیل فضاهای عمومی شهری دارند، زیانی وارد نشود.

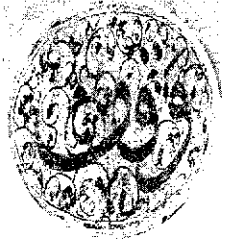
وقف موضوعی است که اگر چه سازمان و تشکیلات مشخصی سرپرستی و رسیدگی به امور آن را بر عهده دارد، ولی به دلیل گستردگی فعالیت‌ها و عملکردهای وقفی عملکرد سایر سازمان‌ها و نهادهای عمومی جامعه که به طریقی با فضاهای موقوفه در ارتباط هستند، مانند شهرداری، سازمان میراث فرهنگی، سازمان ثبت اسناد و املاک و وزارت مسکن و شهرسازی در عملکرد بهینه موقوفات مؤثر است. در این رابطه یکی از مهمترین مشکلات موقوفات کشور نامشخص بودن نقش و جایگاه وقف در سازمان‌هایی است که به طریقی با موضوع عمران موقوفات در ارتباط‌اند. این نامشخص بودن و ناهماهنگی بین سازمان‌ها موجب از دست رفتن ارزش‌های اقتصادی و فضایی - کالبدی مجموعه‌های وقفی می‌گردد. لذا جهت حفظ مجموعه‌های باارزش وقفی، ایجاد ارتباط و هماهنگی مستمر بین سازمان‌های ذی‌ربط ضرورت حیاتی دارد.

از دیگر مسایل و مشکلات اساسی که در عملکرد و کارایی موقوفات تأثیرات منفی مهمی در پی داشته است، عدم آشنایی واقفان و متولیان وقف به ضوابط و مقررات شهرسازی از یک طرف و عدم آگاهی و شناخت شهرسازان و مدیران اجرایی امور شهری از احکام و مقررات وقف از طرف دیگر است. عدم آشنایی واقفان و متولیان موقوفه و شهرسازان و مدیران امور اجرایی شهرها از ضوابط، مقررات و احکام یکدیگر، در نهایت کندی و رکود در فعالیت‌های عمرانی موقوفات را به دنبال دارد. عدم آشنایی به ضوابط و مقررات شهرسازی، موجب شده علی‌رغم اینکه در برخی مواقع تسهیلات ویژه‌ای برای موقوفات به ویژه موقوفات عام در نظر گرفته می‌شود، واقفان و متولیان موقوفات نه تنها نتوانسته‌اند از این امکانات به نحو مطلوبی استفاده نمایند، بلکه بعضاً از امکانات معمول و جاری که سایر



فرآیند زمان به تناسب شرایط رشد طبیعی شهرها تغییر می‌کند. بدین معنی که اراضی شهری در هر دوره و شرایط زمانی، مناسب یک نوع عملکرد و فعالیت خاص هستند و با تغییر شرایط، کاربری اراضی، قابلیت اقتصادی و ارزش مکانی و ارزش افزوده بسیاری از اراضی شهری تغییر پیدا می‌کند. در طی این فرآیند بسیاری از اراضی ممکن است موقعیت مکانی مطلوب‌تر و ارزش اقتصادی بالاتری کسب نمایند و در مقابل بخشی دیگر از اراضی شهری مطلوبیت‌های مکانی خود را از دست بدهند. لذا با توجه به این نکته، ثابت بودن نوع استفاده از املاک و اراضی وقفی نه تنها استفاده بهینه از آن‌ها را با مشکل روبه‌رو می‌سازد، بلکه در طی زمان ممکن است نوع استفاده از املاک موقوفه در تعارض با طرح‌های شهرسازی و کاربری اراضی شهری قرار گیرد که این موضوع مشکلاتی را برای موقوفات به وجود آورده است.

موقوفات و مجموعه‌های وقفی معمولاً جهت تأمین هزینه‌های حفظ، نگهداری و امور جاری خود دارای رقباتی هستند که درآمد آنها صرف امور موقوفه می‌شود. در زمان تهیه طرح‌های شهری معمولاً سعی می‌شود مجموعه‌های موقوفه کمتر صدمه دیده (از جهت تغییر کاربری و تعریض معابر)، ولی رقبات موقوفات از جهت اینکه اغلب برآیند و سیمای کالبدی مشخص و متمایزکننده‌ای که نشان‌دهنده رقبه بودن آنها باشد ندارند، در طرح‌های شهری صدمات زیادی متحمل می‌شوند. با توجه به اینکه رقبات در تأمین هزینه‌های موقوفات نقش مهمی دارند، بنابر این ضرورت دارد در



فضاهای غیروقفی از آن بهره‌مند می‌شوند نیز بی‌بهره مانده‌اند. آگاهی از ضوابط و مقررات شهرسازی که هم دارای وجه فنی و تخصصی و هم دارای باز حقوقی است، قدرت چانه‌زنی متولیان موقوفات و ادارات اوقاف را در تماس و ارتباط با سایر سازمان‌های ذی‌مدخل در توسعه شهری همچون شهرداری به میزان زیادی افزایش می‌دهد.

عدم آشنایی شهرسازان به امور اوقافی و نقش مؤثر موقوفات در توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه موجب شده که آنها به املاک و اراضی موقوفه شهری به چشم یک ثروت عمومی نگاه کنند و در تعیین کاربری برای آنها عموماً کاربری‌های غیرانتفاعی در نظر بگیرند. درحالی که بسیاری از املاک و قفی رقباتی هستند که درآمد حاصله از آنها صرف اداره، مرمت و نگهداری موقوفات دیگر می‌شود. از حیث انتفاع افتادن رقبات موقوفات، از یک طرف موجب تضعیف موقوفات می‌شود و از طرف دیگر محیط‌ها و فضاهای شهری ناسالمی را به وجود می‌آورد. نکته مهمی که در اینجا باید به آن اشاره کرد این است که متولیان و واقفان به صرف اینکه عواید حاصل از موقوفات و املاک و قفی صرف امور خیریه می‌شود، نباید از رعایت و اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی طفره روند، بلکه باید به گونه‌ای فعال و مؤثر در تدوین ضوابط و مقررات شهری مشارکت داشته باشند، زیرا ضوابط و مقررات شهری در موقع تدوین به صورت یک نظام منسجم و یکپارچه تهیه می‌شوند و نقض و عدم اجرای هر یک از آنها در نهایت، بی‌نظمی در اجرای ضوابط و مقررات شهری را به دنبال دارد.

□ پیشنهادی راهبردی جهت بهینه‌سازی عملکردهای وقفی

با یک نگاه اجمالی به ارزش مالی و اقتصادی عناصر و فضاهای موقوفه و مبالغ عظیمی که هر ساله در امور اوقافی هزینه می‌شود، به خوبی می‌توان به توان و پتانسیل نسبتاً بالای اوقاف در جهت تحقق اهداف برنامه‌های عمرانی کشور پی‌برد. در حالی که هم اکنون بسیاری از طرح‌های عمرانی شهری از نظر کمبود

اعتبارات و منابع مالی و دسترسی مطلوب به زمین و فضای مناسب با موانع و مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستند، اوقاف از جمله معدود اموری است که به نظر می‌رسد کمتر با این دو مانع مواجه باشد. اگر اوقاف از نظر دسترسی به پول و زمین که دو عامل عمده در اجرای هر طرح عمرانی هستند، کمتر مشکل دارد، پس منشأ و سرچشمه مشکلات اوقاف در زمینه توسعه فضاهای موقوفه در کجا قرار دارد؟ به طور کلی از سه ضلع نظام برنامه‌ریزی شامل منابع مالی، زمین و طرح و برنامه، مشکلات اوقاف در بهره‌وری بهینه از موقوفات را به طور عمده باید در ضلع سوم، یعنی «طرح و برنامه» جستجو کرد. ضعف در ضلع برنامه‌ریزی بخش عمرانی اوقاف باعث شده تا مثلث برنامه‌ریزی و بهره‌وری بهینه از موقوفات به طور کامل شکل نگرفته و وقف نتواند به صورتی شایسته و بایسته در برنامه‌های عمرانی کشور نقش فعالی ایفا نماید.

هم‌چنانکه وقف حبس ساده مال و ملک جهت هزینه در امور خیریه نیست، توسعه و عمران موقوفات و بهره‌برداری بهینه از آنها تنها به احداث بنا و ساختمان منحصر نمی‌شود، بلکه دارای محتوای غنی و پیچیده‌ای است که ابعاد گسترده آن را می‌توان در تمام زوایای جامعه مشاهده کرد. دقیقاً به همین دلیل است که در بحث از اوقاف از آن به مثابه یک «نظام» یعنی مجموعه‌ای از عناصر، اهداف و اقدامات با روابط منسجم و بهم‌پیوسته که در فرآیند پویا و کنش‌های جامعه نقش مهمی ایفا می‌کنند نام برده می‌شود.

نظر به این که همه ساله مبالغ قابل توجهی در امور عمرانی اوقاف هزینه می‌شود، تدوین راهبرد مناسب در زمینه بهره‌وری بهینه از موقوفات بیش از پیش ضرورت و اهمیت پیدا می‌کند. مهمترین راهبرد برنامه‌ای که در این زمینه پیشنهاد می‌شود تهیه «طرح جامع اوقاف» در سه سطح ملی، منطقه‌ای و محلی است. طرح جامع اوقاف، توسعه و عمران موقوفات کشور/ استان/ شهرستان بر اساس امکانات و منابع بالفعل و بالقوه اوقافی در جهت بهره‌وری بهینه از موقوفات با تأکید بر ارتقای ارزش‌های معماری و شهرسازی محیط‌های



طرح‌های بالادست است. با توجه به شرایط و مقتضیات هر شهر و شهرستان این طرح می‌تواند برای کلیه شهرستان‌های کشور تهیه شود. طرح جامع اوقاف در سطح منطقه‌ای حلقه واسط بین طرح‌های ملی و محلی است و سیاست‌های کلی اوقاف در مقیاس میانی را تهیه و تدوین می‌کند. این طرح را می‌توان برای هر یک از استان‌های کشور تهیه کرد.

به طور کلی احیای نظام وقف در جامعه امروز کشور فقط احیای یک سنت شرعی و مذهبی نیست، بلکه احیای و حیات بخشی دوباره به نظام و سنتی است که قادر به تأمین نیازهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی جامعه در پیوند با ارزش‌های معنوی و انسانی به شکل مطلوبی است. لذا با انجام مطالعات مستمر در زمینه وقف به ویژه در خصوص بهره‌وری بهینه از موقوفات می‌توان هر چه بیشتر در جهت بالابردن کارایی موقوفات تلاش کرد.

منابع و مأخذ

۱. توسلی، محمود، «شهر اسلامی یا شهر در سرزمینهای اسلامی»، هفتاد و دو مقاله.
۲. چلبی، مسعود، جامعه‌شناسی نظم، ج ۱، نشر نی، ۱۳۷۵.
۳. حبیبی، سید محسن، از شار تا شهر، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۴. شفقی، سیروس، «وقف در اصفهان، پراکندگی جغرافیایی موقوفات و آثار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن»، فصلنامه میراث جاوید، ش ۱۹-۲۰، ۱۳۷۶.
۵. قدیری، بهرام، احیای فرهنگ وقف با هدف تسهیل زندگی در مجتمع‌های زیستی. فصلنامه صفا، ش ۱، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۹.
۶. محمدی، محمود، «مکان‌یابی کاربری اداری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا. دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۷. مؤمنی، مصطفی، «رديابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، اقتصادی و کالبدی دوره آغازین شهر دولت آباد ملایر»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۲، ۱۳۶۵.
۸. هیلن براند، رابرت، معماری اسلامی، (ترجمه ایرج اعتصام)، ج ۱، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۷.

پیرامون موقوفات است. در واقع طرح جامع اوقاف یک چهارچوب برنامه‌ریزی منسجم و جامع است که ابعاد مختلف توسعه عمرانی اوقاف را با یک دیدگاه آینده‌نگر در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی کنترل و هدایت می‌کند:

- ایجاد هماهنگی بین بخشی و بین سازمانی در امور اوقاف؛

- تدوین اهداف کلان و عملیاتی توسعه و عمران موقوفات؛

- اولویت‌بندی اجرای طرح‌های عمرانی با دیدگاه بهره‌وری بهینه از موقوفات؛

- ارایه نظام کنترل، هدایت و تسهیل اجرای طرح‌ها؛
- تهیه نظام تشکیلات مدیریت اجرای طرح‌های عمرانی؛

- تدوین چهارچوب قانونی و ضوابط و مقررات شهرسازی یکپارچه و یکسان برای تمام موقوفات کشور.

موارد ذکر شده از مهمترین اهداف و دست‌آوردهای طرح جامع موقوفات هستند. جهت دستیابی به اهداف مورد اشاره در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی پروژه‌های تحقیقاتی مختلفی در قالب طرح جامع قابل اجرا هستند. در سطح ملی، طرح جامع اوقاف طرحی یگانه و واحد خواهد بود که به طور عمده مبتنی بر تدوین اهداف کلان اوقاف در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی، تدوین چهارچوب‌های قانونی ضوابط و مقررات شهرسازی ویژه وقف و تهیه نظام کلان کنترل و هدایت فعالیت‌های عمرانی اوقاف است و به صورت یک طرح بالادست خطوط کلی طرح‌های منطقه‌ای و محلی را مشخص می‌سازد. در سطح محلی، طرح جامع اوقاف به طور عمده مبتنی بر برنامه‌ریزی کالبدی فعالیت‌های عمرانی اوقاف در سطح شهر و شهرستان بر اساس اهداف و سیاست‌های

